

به نام خدا

یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور، چهارشنبه پانزدهم اردیبهشت‌ماه، مطابق با بیست‌ودومین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این وبینار، دکتر محسن قاسم‌پور، با موضوع «اهمیت توکل» سخنرانی کرد.

دکتر قاسم‌پور سخن خود را با اشاره به جایگاه توکل آغاز کرد و گفت توکل اصطلاحی است که در حوزه دین و اخلاق و هم در حوزه عرفان به کار می‌رود. معنای لغوی توکل نوعی اظهار ناتوانی و اعتماد بر دیگری است؛ یعنی شخص متوکل به سبب درک نوعی ناتوانی در خودش، از جمله آگاهی نداشتن از سرانجام کار، به شخص دیگری که توان جبران ضعف او را دارد متوسل می‌شود و او را از طرف خود نماینده می‌کند. این دیگری وقتی خدا باشد، توکل به خداوند است، یعنی اطمینان به خدا و یأس از مردم و تسلیم خدا بودن و تنها به او اعتماد کردن. متوکل به الله کسی است که می‌داند خداوند رزق او را و امر او را کفالت و کفایت می‌کند و تنها به او تکیه دارد و به غیر از او امید ندارد. آیاتی در ارتباط با توکل در قرآن آمده است که برای روشن شدن بحث به برخی از آنها اشاره می‌کنم. بر اساس آموزه‌های قرآنی، نسبتی میان توکل و ایمان وجود دارد، یعنی توکل لازمه ایمان است و در آیات قابل توجهی تعبیر وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ آمده است و این نشان‌دهنده نسبت ایمان و توکل است. از آیاتی که می‌توان در مورد نسبت توکل و ایمان یافت، می‌توان به این آیات اشاره کرد:

- آیه ۲۵ سوره ملک که می‌فرماید قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَا بِهِ وَ عَلَيهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ
- آیه ۸۴ سوره یونس که می‌فرماید وَ قَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا
- آیه ۲۳ سوره مائده وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ
- آیه ۳۶ سوره شوری وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أُنْفِقِي لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ
- آیه ۹۹ سوره نحل إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

توکل و تقوی نیز در قرآن، در کنار یکدیگر آمده‌اند و همچنین صبر نیز در کنار توکل آمده است؛ الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ که هم در سوره نحل و هم در سوره عنکبوت آمده است. بنابراین می‌توان گفت ایمان توکل، صبر و تقوی یک شبکه معنایی در نسبت با یکدیگر برمی‌سازند.

دکتر قاسم‌پور در ادامه سخنان خود به این نکته اشاره کرد که در مورد پیامبران در قرآن توکل چه جایگاهی داشته است؛ پیامبرانی به قوم خود می‌گفتند به خدا توکل کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از حضرت

ابراهیم(س) یاد کرد که فرمود رَبَّنَا عَلَيْنَا تَوَكَّلْنَا، در مورد حضرت هود و حضرت نوح و حضرت شعیب نیز مشابه است. در پیوند با معنای توکل باید به واژه وکیل اشاره کرد. وکیل یکی از اسماء الله است و از همین جهت قابل توجه است.

دکتر قاسم‌پور با اشاره به نقش فرد در توکل توضیح داد در معنای توکل به خدا، حرکت و تلاش خردمندانه متوکل برای رسیدن به هدف بسیار اهمیت دارد. توکل با برنامه‌ریزی و حرکت و کوشش همراه است، مگر آن که از دست انسان متوکل هیچ کاری برنیاید؛ همانند حضرت ابراهیم که او را در منجیق نهادند تا در آتش افکنده شود و در این جا دیگر کاری از ابراهیم ساخته نبود. اما به طور کلی باید گفت تنها با اقدام عملی و تلاش و حرکت است که توکل، انسان را از غیر خدا بی‌نیاز می‌کند.

افزون بر قرآن، در احادیث هم بسیار سخن از توکل آمده است. پیامبر (ص) می‌فرماید معنای توکل این است که بنده بداند آفریدگان هیچ سود و زیانی برای او ندارند و فقط به خدا امید داشته باشد. امام رضا (ع) توکل را از اجزاء یقین به شمار آورده است. همچنین حدیثی به نام جنود عقل و جهل در دست است که در ابتدای کتاب کافی از مرحوم کلینی آمده است که امام صادق (ع) می‌فرماید توکل از جنود عقل و ضد حرص است و در بخش دیگری از این حدیث طولانی، امام از قول لقمان حکیم نقل کرده است دنیا به مثابه دریای عمیقی است، تقوی کشتی حرکت‌کننده در این دریا و توکل بادبان این کشتی است.

توکل به خدا با توجه به اسباب مادی و کار و تلاش منافاتی ندارد. بنا بر حدیث مشهور شخصی نزد پیامبر (ص) می‌آید و از ایشان می‌پرسد آیا شترم را آزاد بگذارم و توکل کنم و یا شترم را ببندم و توکل کنم؟ حضرت می‌فرماید شترت را ببند و توکل کن. پیامبر کسانی را که برای کسب روزی تلاش نمی‌کردند نه تنها متوکل نمی‌دانست، بلکه آنها را متکل می‌دانست؛ کل بر دیگران، یعنی سربار.

سحران روز بیست دوم رمضان برنامه محضر نور پس از اشاره به چایگاه توکل در قرآن و حدیث، به اهمیت توکل در اخلاق و عرفان پرداخت و گفت در کتاب‌های اخلاقی نیز از توکل سخن به میان آمده است. خواجه نصیرالدین طوسی، توکل را یکی از انواع دوازده‌گانه اخلاق می‌دانست که ذیل فضیلت مهمی به نام عدالت باید مورد بحث قرار گیرد.

در حوزه عرفان نیز سخن از توکل فراوان است. یکی از مقامات بلند عرفانی، بعد از مقام صبر و یا زهد و قبل از مقام رضا، مقام توکل است. در متون عرفانی اعتماد و امید تمام به خدا و قطع اعتماد و امید از

مخلوقات رکن و بنیاد توکل معرفی شده است. بیشتر عارفان مسلمان یکی از مقامات اهل یقین را رسیدن به درجه توکل به شمار آورده‌اند که البته دست یافتن به آن در نهایت دشواری است. در عرفان، مبدأ این امید و اعتماد به خدا، حسن ظن به خدا و متعایش آرامش و اطمینان قلبی است. از نظر عرفا جایگاه توکل قلب است و توکل اعتماد و آرامشی است که بر قلب و ضمیر سالک الی الله وارد می‌شود، لذا عارفان، حضرت ابراهیم(س) را نمونه متوکل کامل می‌دانند که وقتی او را به آتش افکندند دعایی نکرد و گفت علم خدا به حال من مرا از سوال بی‌نیاز کرده است.

بنا بر آنچه از قرآن، حدیث، اخلاق و عرفان در باب توکل گفته شد چنین به دست می‌آید اگر قرار باشد بنده به خدای خود توکل کند و در تمام امور خود به خدا تکیه کند و راه خیر و صلاح را از او بخواهد به قضا و قدری که مقدر فرموده اعتماد کند و بدان خشنود باشد، باید خداوند را واجد صلاحیت‌های لازم برای وکالت بداند. بنده باید آگاه باشد که کسی بالاتر از خداوند نیست که او را تکیه‌گاه خود بداند و این متوقف بر معرفت و شناخت است و بعد از شناخت این مرحله است که شناخت خود را در عمل جاری کنیم. لذا لوازم توکل به طور کلی بردو بخش لوازم معرفتی و لوازم عملی توکل قابل بخش است. لوازم معرفتی، یعنی نوع آگاهی‌هایی که بنده در نسبت و ارتباط با خدا از آنها آگاه است. ما از مهربانی خدا آگاهیم، در آیه ۲۹ سوره ملک می‌خوانیم *قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا*. باور داریم که خداوند خیر و صلاح بندگان خود را می‌خواهد. آیه ۸۹ سوره اعراف، *وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا* همین را نشان می‌دهد، یعنی وسعت علم الهی که لایتناهی است نشان می‌دهد که ما با مطلق روییم که از خیر و صلاح ما کاملاً آگاه است. باور ما به خداوند به خیرخواهی برای ما چنان‌که در قرآن در آیه ۱۲ سوره ابراهیم داریم *وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَكَصَّبِرْنَا عَلَى مَا آذَيْنَا وَمَا أَدَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ*. این آیه نشان می‌دهد ما باور و ایمان داریم خداوند خیرخواه ماست و باور داریم خداوند توانمند است. در آیه ۱۲۳ سوره هود می‌فرماید *وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ* که نشان می‌دهد خداوند قادر مطلق است. مجموع این معرفت‌ها به این می‌رسد که مطلقاً که می‌توان به او تکیه کرد تنها خود حضرت حق سبحانه و تعالی است و این معرفت موجب حرکت و تلاش ما، ناامیدی ما از مخلوق و غیر خدا و باور ما به توانمندی‌های خود و اعتماد به نفس است؛ اینها لوازم عملی توکل است و این نگاه به ما عزت می‌بخشد و موجب می‌شود ما در عمل رفتار عزت‌مندانه‌ای داشته باشیم، چرا که به خدا توکل کرده ایم. در آیه ۱۰ سوره فاطر خداوند می‌فرماید من کان یرید العزّة فلله العزّة جمیعاً. توکل به خدا موجب می‌شود ما در عمل، صبر و شکیبایی داشته باشیم خداوند

در آیه ۴۸ سوره احزاب می فرماید وَ لَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ دَعِ اٰذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ وَ كَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا
یعنی شما اذیت آنها را رها کن و به خدا تکیه کن و این به معنای صبوری و شکیبایی در عمل است و اینکه از
سرانجام کار نهراسیم چنانکه در آیه ۱۲۹ سوره توبه می فرماید فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

وقتی در رفتار عملی خود به خدا تکیه کردیم، ارمغان‌هایی نصیب‌مان می‌شود، از جمله اینکه خداوند ما را
کفایت می‌کند چنانکه در آیه ۳ سوره طلاق می‌فرماید وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
اِنَّ اللّٰهَ بِالْغَامِرِ الْغَامِرِ هَدَّ جَعَلَالًا لِّلّٰهِ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا و یا در آیه ۳ سوره احزاب می فرماید وَ تَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ وَ كَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا و
اینها نوید همین ارمغان است که کسی که به خداوند توکل کند خداوند او را کفایت می‌کند. ارمغان دیگر
توکل، آرامش و طمأنینه نفس است. متوکل دیگر نگران از به سرانجام نرسیدن کار خود نیست، چون آنچه
باید انجام می‌داده، انجام داده است و دیگر خوفی به دل راه نمی‌دهد و هراسی ندارد، بلکه در نفس و جان
احساس توانمندی و عزت نفس و در عمل احساس بی‌نیازی می‌کند. امام صادق می‌فرماید بی‌نیازی و
عزت در گردش‌اند و چون به جایگاه توکل می‌رسند در آنجا سکنی می‌گزینند گویی این توانمندی و
بی‌نیازی و عزت همراه یکدیگرند. توکل به خدا ما را توانمند و مستغنی می‌کند.